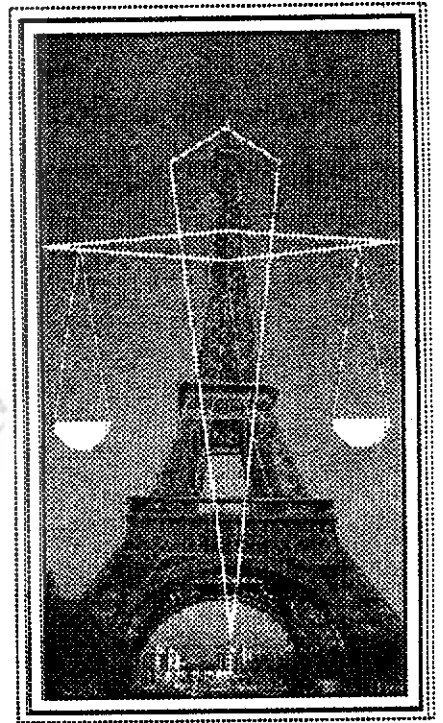


قانون جزایی فرانسه



■ ترجمه: دکتر سید محمد حسینی
(عضویت علمی دانشکده حقوق
دانشگاه تهران)
(قسمت چهارم)

زیر بخش ششم:

مراقبت اجتماعی - قضائی

ماده یکصد و سی و یک - سی و شش -

یکم: در موارد پیش بینی شده در قانون، مرجع قضائی صدور حکم می تواند به انجام مراقبت اجتماعی - قضائی دستور دهد. مراقبت اجتماعی - قضائی شخص محکوم را متعهد می کند، تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری و در طی مدت تعیین شده توسط مرجع قضائی صادر کننده حکم، از تدابیر مراقبتی و معاضدت، با هدف پیشگیری از تکرار جرم، تبعیت کند. مدت مراقبت اجتماعی - قضائی نباید، در موارد محکومیت به علت ارتکاب جنحه، از ده سال، یا، در موارد محکومیت به علت ارتکاب جنایت، از بیست سال تجاوز کند.

حکم محکومیت همچنین حداکثر مدت مجازات زندان را که در صورت بی توجهی شخص محکوم به تعهداتی که بدان ملزم شده، بر او اعمال می شود، تعیین می کند. این مجازات نباید، در صورت محکومیت به علت ارتکاب جنحه، از دو سال، و در صورت محکومیت به دلیل ارتکاب جنایت، از پنج سال تجاوز کند. اوضاع و احوالی که در آن شرایط قاضی اجرای احکام کیفری دستور اجرای تمام یا بخشی از مجازات زندان را صادر می کند در قانون آیین دادرسی کیفری مشخص شده است.

متعاقب اعلام رأی، رئیس محکمه الزامات ناشی از رأی و پیامدهای تخلف از آنها را به شخص محکوم اعلام می کند.

ماده یکصد و سی و یک - سی و شش - دوم:

اقدامات مراقبتی قابل اعمال بر شخص

محکوم به مراقبت اجتماعی - قضائی اقداماتی است که در ماده یکصد و سی و دو - چهل و چهارم پیش بینی شده اند.

شخص محکوم همچنین می تواند در حکم محکومیت، یا به وسیله قاضی اجرای احکام کیفری، به تکالیف پیش بینی شده در ماده یکصد و سی و دو - چهل و پنجم ملزم گردد. او می تواند به یک یا چند وظیفه ذیل نیز مکلف شود:

۱- خودداری از حضور در هر جا یا در هر مکانی که مشخصاً تعیین می شود، خصوصاً در اماکنی که به طور معمول پذیرای صغار می باشند؛
۲- خودداری از رفت و آمد یا ایجاد رابطه با اشخاص معین یا گروههایی از اشخاص، خصوصاً صغار، به جز - بر حسب مورد - صغار مستثنی توسط مرجع قضائی.

۳- عدم اشتغال به فعالیت شغلی یا داوطلبانه ای که به طور معمول همراه با تماس و رابطه با صغار می باشد.

ماده یکصد و سی و یک - سی و شش - سوم:

هدف تدابیر معاضدت که شخص محکوم به مراقبت اجتماعی - قضائی باید از آنها تبعیت کند، عبارت است از کمک به کوششهای او در جهت بازپذیری اجتماعی.
ماده یکصد و سی و یک - سی و شش - چهارم:
مراقبت اجتماعی - قضائی می تواند توأم با یک تکلیف درمانی باشد.

در صورتی که دستور انجام درمان پس از اعلام نظریه پزشکی (که در موارد پیش بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری استعلام می شود) مبنی بر اینکه شخص مورد تعقیب می تواند معالجه شود، صادر می شود، این دستور می تواند

توسط مرجع قضائی صدور حکم داده شود. در موارد تعقیب و بررسی قتل شخص نابالغ مسبوق به تجاوز جنسی یا توأم با آن، شکنجه یا اعمال بیرحمانه، این بررسی پزشکی توسط دو کارشناس [پزشک متخصص] انجام می‌شود. رئیس محکمه به محکوم اعلام می‌کند که هیچ اقدام درمانی بدون موافقت او به عمل نمی‌آید، اما اگر او اقدامات درمانی را که به او پیشنهاد می‌شوند رد کند، مجازات زندانی که در عمل به بند سوّم ماده سی و یک - سی و شش - یکم مورد حکم قرار می‌گیرد، می‌تواند به اجرا گذاشته شود.

هنگامی که مرجع قضائی صدور حکم دستور مبادرت به درمان را صادر می‌کند و همزمان، محکوم به یک مجازات سالب آزادی غیر قابل تعلیق محکوم شده است، رئیس محکمه به شخص محکوم اطلاع می‌دهد که می‌تواند در مدت اجرای مجازات سالب آزادی درمان خود را شروع کند.

ماده یکصد و سی و یک - سی و شش - پنجم: موقعی که مراقبت اجتماعی - قضائی با مجازات سالب آزادی بدون تعلیق توأم است، از روزی که مجازات سالب آزادی خاتمه می‌پذیرد، برای مدت مشخص شده در حکم محکومیت، شروع به اعمال آن می‌شود. مراقبت اجتماعی - قضائی در مدتی که شخص محکوم، در جریان انجام مراقبت، بازداشت شود، معلق می‌شود. مجازات زندان که به علت بی‌توجهی محکوم به تکالیف ناشی از مراقبت اجتماعی - قضائی بر محکوم اعمال می‌شود، بدون امکان تداخل، با مجازات‌های سالب آزادی که به علت ارتکاب جرم در زمان اجرای مراقبت

اجتماعی - قضائی مورد حکم قرار می‌گیرد، جمع می‌شود.

ماده یکصد و سی و یک - سی و شش - هشتم: همزمان با حکم به مجازات زندانی که کلاً یا بعضاً با تعلیق مراقبتی سازگار است نمی‌توان دستور مراقبت اجتماعی - قضائی صادر نمود.

ماده یکصد و سی و یک - سی و شش - نهم: در موارد اعمال مجازات تأدیبی، مراقبت اجتماعی - قضائی می‌تواند به عنوان مجازات اصلی مورد حکم قرار گیرد.

ماده یکصد و سی و یک - سی و شش - دهم: نحوه اجرای مراقبت اجتماعی - قضائی در عنوان هفتم مکرر کتاب پنجم قانون آیین دادرسی کیفری مشخص شده است.

بخش دوم:

مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی
ماده یکصد و سی و یک - سی و هفتم: مجازات‌های جنایی یا تأدیبی که بر اشخاص حقوقی اعمال می‌شوند عبارتند از:

۱- جزای نقدی؛
۲- در موارد پیش‌بینی شده در قانون، مجازات‌های احصاء شده در ماده یکصد و سی و یک - سی و نهم.

ماده یکصد و سی و یک - سی و هشتم: حداکثر مبلغ جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی پنج برابر مبلغی است که در قانون تعیین‌کننده مجازات جرم برای اشخاص حقیقی پیش‌بینی شده است.

ماده یکصد و سی و یک - سی و نهم: در مواردی که قانون پیش‌بینی می‌کند، با اعمال یک یا چند مجازات از مجازات‌های ذیل بر شخص حقوقی، جنایت یا جنحه

کیفر می‌شود:

۱- انحلال، هنگامی که مؤسسه برای ارتکاب جرم به وجود آمده، یا - در مواردی که جرم ارتكابی جنایت یا جنحه‌ای است که مجازات آن برای اشخاص حقیقی بیش از پنج سال زندان است - مؤسسه در جهت ارتكاب جرم از هدف نخستین خود منحرف شده است؛

۲- ممنوعیت دائمی یا برای مدت حداکثر پنج سال اجرای مستقیم یا غیر مستقیم یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی؛

۳- قرار گرفتن تحت مراقبت قضائی برای مدت حداکثر پنج سال؛

۴- بسته شدن دائمی یا برای مدت حداکثر پنج سال دواپس و شعب شخص حقوقی یا یک یا چندتای از آنها که در ارتكاب جرم مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند؛

۵- اخراج دائمی یا برای مدت حداکثر پنج سال از بازارهای عمومی؛

۶- ممنوعیت دائمی یا برای مدت حداکثر پنج سال از دعوت عمومی برای سرمایه‌گذاری و پس‌انداز؛

۷- ممنوعیت برای مدت حداکثر پنج سال از اصدار چک (جز چکهایی که برای وصول موجودی صادر کننده نزد بانک محالاً علیه صادر می‌شوند و جز چکهایی تأیید شده) یا استفاده از کارتهای پرداخت؛

۸- ضبط و مصادره شیشی که در ارتكاب جرم به کار رفته یا مقصود به کارگیری آن در ارتكاب جرم بوده، یا از ارتكاب جرم به‌دست آمده است؛

۹- اعلان رأی دادگاه یا نشر آن توسط مطبوعات یا هر وسیله ارتباط جمعی

مجازاتهای مشخص شده در شماره‌های ۱ و ۳ بر اشخاص حقوقی حقوق عمومی که می‌توانند از نظر کیفری مسئول دانسته شوند اعمال نمی‌شوند. این مجازاتها بر احزاب یا دسته‌های سیاسی و بر سندیگاههای صنفی نیز اعمال نمی‌گردد.

مجازات مشخص شده در شماره ۱ بر مؤسساتی که از اشخاص نمایندگی می‌کنند اعمال نمی‌شود.

زیوربخش دوم: مجازاتهای خلافی

ماده یکصد و سی و یک - چهارم:

مجازاتهای خلافی که بر اشخاص حقوقی اعمال می‌شوند عبارتند از:
۱- جزای نقدی؛

۲- مجازاتهای محروم کننده از حقوق یا محدود کننده حقوق که در ماده یکصد و سی و یک - چهارم پیش‌بینی شده‌اند.

این مجازاتها مانع اعمال یک یا چند مجازات از مجازاتهای تکمیلی پیش‌بینی شده در ماده یکصد و سی و یک - چهارم و سوم نمی‌باشند.

ماده یکصد و سی و یک - چهارم و یکم:

حداکثر جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی پنج برابر مبلغی است که، در آیین نامه تعیین کننده مجازات جرم، برای اشخاص حقیقی مرتکب آن جرم تعیین شده است.

ماده یکصد و سی و یک - چهارم و دوم:

برای کلیه جرایم خلافی، مجازات نقدی می‌تواند توسط یک یا چند مجازات از مجازاتهای محروم کننده از حقوق یا محدود کننده حقوق، مذکور در ذیل،

جایگزین شود:

۱- ممنوعیت، حداکثر برای مدت یک سال، از اصدار چک (جز چکهایی که وصول موجودی صادر کننده را نزد بانک محال علیه عملی سازد، یا چکهای تأیید شده) یا استفاده از کارتهای پرداخت؛

۲- ضبط و مصادرهٔ شیئی که در ارتکاب

جرم به کار رفته یا مقصود استفاده از آن در ارتکاب جرم بوده و بدست آمده است.

ماده یکصد و سی و یک - چهارم و سوم:

آیین نامه‌ای که مجازات جرم خلافی را

تعیین می‌کند می‌تواند، هنگامی که مجرم

شخص حقوقی است، مجازات تکمیلی

مذکور در شماره پنجم ماده یکصد و سی و

یک - شانزدهم را پیش‌بینی کند. به علاوه،

آیین نامه می‌تواند در خصوص جرایم

خلافی دسته پنجم مجازات تکمیلی

مذکور در بند نخست ماده یکصد و سی و

یک - هفدهم را پیش‌بینی کند.

ماده یکصد و سی و یک - چهارم و چهارم:

هنگامی که مجازات مقرر برای یک جرم

خلافی یک یا چند مجازات از مجازاتهای

تکمیلی پیش‌بینی شده در ماده یکصد و سی و

یک - چهل و سوم منسوخ باشد، مرجع

قضائی می‌تواند فقط به مجازات تکمیلی

[به عنوان مجازات اصلی] حکم بدهد، یا

یک یا چند مجازات از مجازاتهای تکمیلی

را [علاوه بر مجازات اصلی] مورد حکم

قرار دهد.

زیوربخش سوم:

محتوا و نحوهٔ اعمال برخی از

مجازاتها

ماده یکصد و سی و یک - چهارم و پنجم:

حکم به انحلال شخص حقوقی

مستلزم ارجاع آن شخص حقوقی نزد دادگاه صالح جهت انجام تصفیه می‌باشد.

ماده یکصد و سی و یک - چهارم و هشتم:

حکم به قرار گرفتن شخص حقوقی

تحت نظارت قضائی مستلزم تعیین

نماینده‌ای قضائی است که مرجع قضائی

وظایف نظارتی او را مشخص می‌کند.

مأموریت نظارتی نمایندهٔ قضائی فقط

نظارت بر فعالیتی را شامل می‌شود که در

اجرای آن فعالیت یا در رابطه و به مناسبت

انجام آن فعالیت جرم ارتکاب یافته است.

حداقل هر ششماه یک بار نمایندهٔ قضائی

گزارش انجام مأموریت خود را به قاضی

اجرای احکام تحویل می‌دهد.

با توجه به این گزارش، قاضی اجرای

احکام می‌تواند مرجع قضائی صادر کنندهٔ

حکم نظارت قضائی را در جریان امر قرار

دهد. آنگاه این مرجع یا مجازات جدیدی

مقرر می‌کند، یا نظارت قضائی را از

شخص حقوقی برمی‌دارد.

ماده یکصد و سی و یک - چهارم و نهم:

ممنوعیت اعلان عمومی برای جذب

سرمایه مستلزم ممنوعیت فراخوانی،

به منظور سرمایه‌گذاری تحت هر نام و

عنوانی، به مؤسسات اعتباری، مالی یا

بنگاههای بورس یا هرگونه اقدام تبلیغاتی

است.

ماده یکصد و سی و یک - چهارم و دهم:

مجازات منع انجام یک یا چند فعالیت

شغلی یا اجتماعی پیامدهای پیش‌بینی شده

در ماده یکصد و سی و یک - سی و چهارم

را با خود دارد.

مجازات منع اصدار چک نتایج مذکور

در بند اول ماده یکصد و سی و یک -

نوزدهم را در بر دارد.

مجازات ضبط و مصادره اشیاء در اوضاع و احوال پیش‌بینی شده در ماده یکصد و سی و یک - بیست و یکم مورد حکم قرار می‌گیرد.

مجازات اعلان یا نشر حکم محکومیت در اوضاع و احوال مذکور در ماده یکصد و سی و یک - سی و پنجم مورد حکم قرار می‌گیرد.

ماده یکصد و سی و یک - چهل و نهم:

یک تصویب‌نامه شورای دولتی روشهای اجرای مقررات مواد یکصد و سی و یک - چهل و پنجم تا یکصد و سی و یک - چهل و هفتم را مشخص و اوضاع و احوالی را که در آن اوضاع و احوال تاریخ دادرسی به نمایندگان پرسنل شخص حقوقی اعلام می‌شود تعیین می‌کند.

فصل دوم:

رژیم مجازاتها:

ماده یکصد و سی و دو - یکم:

هنگامی که مقررات قانونی یا آیین‌نامه‌ای برای جرمی مجازات تعیین می‌کند، رژیم مجازاتهایی که می‌توانند مورد حکم قرار گیرند، جز در صورت وجود مقررات قانونی مغایر، تابع قواعد فصل حاضر می‌باشد.

بخش اول:

قواعد عمومی

زیربخش نخست:

مجازاتهای قابل اعمال در موارد تعدد جرم

ماده یکصد و سی و دو - دوم:

تعدد جرم هنگامی است که مجرم قبل از محکوم شدن به طور قطعی، به علت ارتکاب جرمی، مرتکب جرم دیگری شود.

ماده یکصد و سی و دو - سوم:

هنگامی که در دادرسی واحد، متهم،

به علت ارتکاب چند جرم با شرایط تعدد، مجرم شناخته می‌شود، مجازات هر یک از آن جرایم می‌تواند مورد حکم قرار گیرد. مع الوصف، وقتی که چند مجازات از یک نوع قابل اعمال است، فقط یک مجازات از آن نوع تا بالاترین میزان قانونی آن می‌تواند مورد حکم قرار گیرد.

هر مجازاتی که مورد حکم قرار گیرد، تا سقف حداکثر قانونی قابل اعمال بر هر یک از جرایم متعدد ارتکابی، مجازات مشترک آن جرایم تلقی می‌شود.

ماده یکصد و سی و دو - چهارم:

وقتی که، در دادرسی‌های جداگانه، متهم، به علت ارتکاب جرایم واجد شرایط تعدد، مجرم شناخته می‌شود، مجازاتهایی که مورد حکم قرار می‌گیرند، تا بالاترین میزان قانونی، توأم با هم اجرا می‌شوند. با وجود این، تداخل کلی یا جزئی مجازاتهای از نوع واحد، توسط آخرین مرجع قضائی رسیدگی کننده، یا در اوضاع و احوال پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری، می‌تواند مورد حکم قرار گیرد.

ماده یکصد و سی و دو - پنجم:

در اعمال مواد یکصد و سی و دو - سوم و یکصد و سی و دو - چهارم، مجازاتهای سالب آزادی مجازاتهای از نوع واحد هستند و هر مجازات سالب آزادی با مجازات حبس ابد ادغام می‌شود. در موارد تکرار جرم، حالت تکرار جرم مدنظر قرار می‌گیرد.

هنگامی که مجازات حبس ابد، که بر یک یا چند جرم از جرایم ارتکابی دارای شرایط تعدد قابل اعمال است، مورد حکم قرار نگرفته، حداکثر قانونی مجازات

سالب آزادی سی سال حبس جنایی می‌باشد.

حداکثر قانونی مبلغ و مدت مجازات جزای نقدی روزانه بدل از حبس و مجازات کار عام‌المنفعة، به ترتیب، در مواد یکصد و سی و یک - پنجم و یکصد و سی و یک - هشتم مشخص شده است.

بهره‌مندی از تعلیق مربوط به تمام یا بخشی از یکی از مجازاتهای مورد حکم قرار گرفته برای جرایم مختلف دارای شرایط تعدد، مانع اجرای مجازاتهای غیر قابل تعلیق از همان نوع نمی‌باشد.

ماده یکصد و سی و دو - ششم:

هنگامی که مجازاتی مورد عفو قرار می‌گیرد یا ساقط می‌شود، برای ادغام مجازاتها، میزان مجازات حاصل از کسر مجازات عفو یا ساقط شده به حساب می‌آید.

سقوط یک مجازات پس از ادغام مجازاتهای متعدد، با حذف آن مجازات از مجازات حاصل از ادغام به عمل می‌آید. مدت تقلیل مجازات از مجازاتی کسر می‌شود که - لدی‌الاقضاء - پس از ادغام مجازاتها باید تحمل شود.

ماده یکصد و سی و دو - هفتم:

به عنوان استثناء بر مقررات ماژالدکر، مجازاتهای جزای نقدی، برای جرایم خلافی، با یکدیگر و با مجازاتهای جرایم جنایی و جنحه‌ای، مقرر در قانون یا مورد حکم قرار گرفته در رأی دادگاه، در وضعیت تعدد جرم جمع می‌شوند.

ادامه دارد.....

